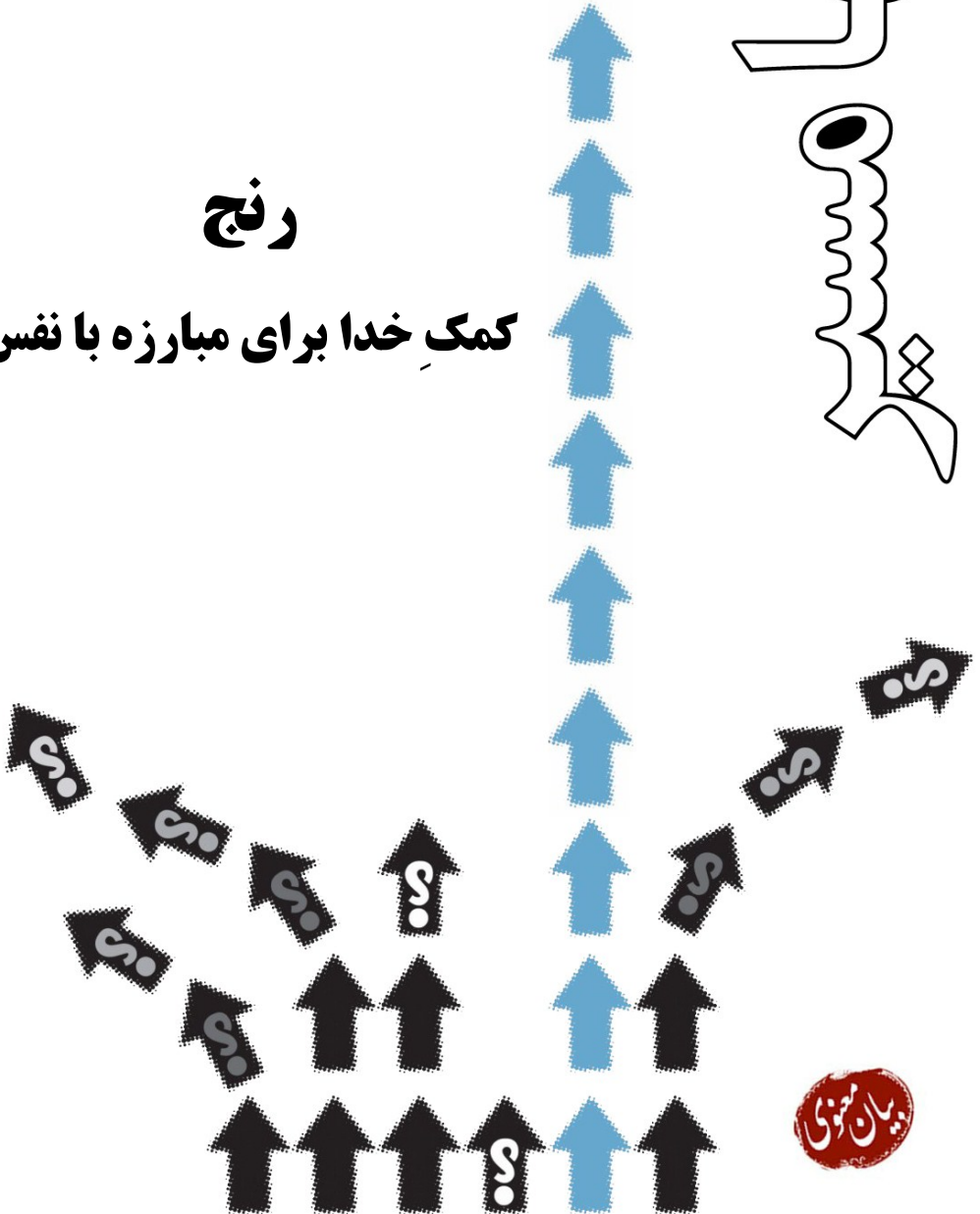


رنج

کمک خدا برای مبارزه با نفس



اشاره

سلسله جلسات حجت الاسلام و المسلمین
پنجاهین در شبهای ماه مبارک رمضان ۹۲
با موضوع "تنها مسیر" (راهبرد اصلی در
نظام تربیت دینی)

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در
پنجمین جلسه را می‌خوانید:

هواپرستی مقابل خداپرستی!!

مبارزه با هوای نفس مانند نخ تسبیح، تمام معارف دینی و توصیه‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

اساساً در مقابل خداپرستی، یک پرستش کلیدی وجود دارد که هواپرستی است. لذا مبارزه با هوای نفس، نظام دین است و مانند نخ تسبیح، تمام معارف دینی و توصیه‌ها را به هم پیوند می‌دهد. اصلی‌ترین و تنها کاری که ما همیشه در طول زندگی خود داریم، مبارزه با نفس است. ولی ما غالباً به این مسأله توجه نداریم و بسیاری از انرژی‌های ما به دلیل پرداختن به موارد غیر اولویت‌دار، هرز می‌رود، در حالی که فقط باید یک موضوع را مراقبت کنیم و آن هم مبارزه با نفس است.

متأسفانه توجه لازم به مسأله جهاد با نفس در اکثر آدم‌ها نیست و تلقی درستی از این معنا وجود ندارد. در حالی که پیامبر اکرم(ص) اوج اعمال خوب را که جهاد در راه خداست و در آن قله رفیعی به نام شهادت هم وجود دارد را "جهاد اصغر"



نامیدند و جنگ کردن با تمایلات درونی را جهاد اکبر نام نهادند. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ؛ (کافی ۵/۱۲)

اینکه همه انسان ها اعم از مؤمن و کافر در رنج آفریده شده اند، کمک می کند رنج ها را راحت تر تحمل کنیم

جهاد بانفس کار سختی است ولی شما که می خواهید با دوست داشتنی های خود مبارزه کنید، در این راه تنها نیستید. خداوند، دنیا و نظام هستی هم شما را در این مبارزه کمک می کنند. اینکه همه انسان ها اعم از خوب و بد، مؤمن و کافر همه در رنج آفریده شده اند، کمک می کند که شما رنج ها را راحت تر تحمل کنید.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ" (سوره بلد/۴)؛

۲

یعنی همه انسان ها در رنج آفریده شده اند. اگر کسی بی دینی کند، رنج خودش را کاهش نمی دهد و اگر کسی دینداری کند، رنج او افزایش نمی یابد. سختی و رنج در مسیر زندگی انسان ها تا لحظه مرگ و ملاقات خدا وجود دارد و این در هستی و خلقت انسان تعبیه شده است؛ خداوند متعال می فرماید: "يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ" (سوره انشقاق/۶) یعنی ای انسان! تو پیوسته با تلاش و رنج فراوان به سوی پروردگار خود حرکت می کنی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد.

اگر در جایی که لازم است، مبارزه با نفس نکنیم، مجبور می شویم در جایی که اجری ندارد مبارزه با نفس کنیم

زجر کشیدن قطعاً برای همه انسان های خوب وجود دارد و هیچ کس نمی تواند

از مبارزه با نفس فرار کند. حتی آدم های هرزه و هوسران هم نمی توانند از مبارزه با



نفس فرار کنند و بالاخره در مواردی ناچار می‌شوند از برخی از دوست‌داشتنی‌های خود صرف‌نظر کنند یا با برخی از خواسته‌های دل‌خود مبارزه کنند.

اگر شما در جایی که لازم بوده مبارزه با نفس کنید، مبارزه نکردید، قطعاً در جای دیگری مبارزه خواهید کرد. اگر شما در جایی خودتان را کنترل نکردید، قطعاً در جایی دیگری مجبور می‌شوید خودتان را کنترل کنید با این تفاوت که دیگر اجر و پاداشی نخواهد داشت. لذا بهتر است که انسان در همان جایی که دستور و تکلیف الهی وجود دارد، مبارزه با نفس کند.

یکی از کمکهای خدا به مؤمنان برای مبارزه با نفس، قرار دادن سختی برای همه (مومن و کافر) است.

خداوند می‌فرماید: **”وَلَوْ لَأَنَّ الْيَهُودِيَّ وَالنَّاسِيَّ عَلِيمَا بَرِّمَا عَلَّمْنَا تَقْوَىٰ، وَلَوْ لَأَنَّ الْيَهُودِيَّ وَالنَّاسِيَّ عَلِيمَا نَسِيَّ مَا عَلَّمْنَا تَقْوَىٰ، وَلَوْ لَأَنَّ الْيَهُودِيَّ وَالنَّاسِيَّ عَلِيمَا نَسِيَّ مَا عَلَّمْنَا تَقْوَىٰ، وَلَوْ لَأَنَّ الْيَهُودِيَّ وَالنَّاسِيَّ عَلِيمَا نَسِيَّ مَا عَلَّمْنَا تَقْوَىٰ“** (سوره زخرف/ ۳۳) یعنی خداوند بیان می‌کند که اگر نمی‌خواستیم این طور باشد که همه مردم را به یک چشم نگاه کنم، کاری می‌کردم که سقف خانه‌های کافران از نقره ساخته شود، یعنی کاری می‌کردم که مؤمنان در دنیا سختی بکشند و کافران راحت باشند، به مؤمنان بلا می‌دادم ولی به کافران بلا و گرفتاری نمی‌رساندم. اما خدا این کار را نکرده است و همه را به یک چشم دیده است. این تعبیر که خداوند در آیه فوق می‌فرماید: سقف خانه‌های کفار را از نقره یا طلا می‌ساختم، قابل تأمل است؛ یعنی ببینید اگر سقف خانه‌ای این طور باشد، بقیه امکانات رفاهی که در اختیار کفار است، چگونه خواهد بود؟! ولی خدا این کار را نکرده است و رنج را برای همه قرار داده است.

تصور کنید اگر رنج و سختی در دنیا، فقط برای مؤمنان بود و کافران زندگی دنیوی راحت و بدون سختی و رنجی داشتند، چند نفر مؤمن باقی می‌ماند؟! امام

صادق (ع) در توضیح آیه قبل می‌فرماید: اگر خدا این کار را می‌کرد (سقف خانه‌های کافران را از نقره قرار می‌داد)، تمام مردم کافر می‌شدند؛ لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعاً (الزهد/۴۷) و در حدیث قدسی می‌فرماید: ”اگر بنده مومن من محزون و دل شکسته نمی‌شد، دستاری از طلا به سر کافر می‌بستم؛ لَوْ لَأَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي نَفْسِهِ لَعَصَبْتُ الْكَافِرَ بِعَصَابَةٍ مِنْ ذَهَبٍ.“ (علل الشرایع/۲/۶۰۴) پس خدا به ما لطف کرده و رنج را برای همه قرار داده است. اینکه رنج برای همه است، کمکی است که راحت‌تر رنج‌های دنیا را تحمل کنیم.

یکی از سختی‌های اهل جهنم این است که می‌بینند هم در این دنیا سختی کشیده‌اند و هم در آن دنیا در رنج و عذاب هستند و تحمل این واقعیت برایشان خیلی سخت است.

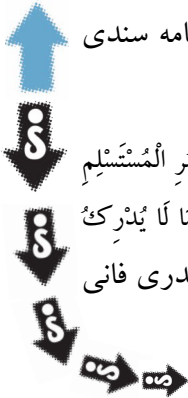
۴

همراهی نظام هستی، کمک دیگر خدا به مومن برای پذیرش رنج‌های

دنیا / توجه به سختی‌های زندگی دنیا، کمکی برای پذیرش رنج‌ها

همراهی نظام هستی، کمک دیگری است که برای پذیرش رنج‌های دنیا به مؤمن می‌رسد. نظام خلقت و طبیعت به گونه‌ای است که پذیرش رنج و تحمل آن را ساده می‌کند. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه که نامه‌ای خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) است، به حقایقی از دنیا اشاره می‌کنند که فهم دقیق و درست آن‌ها، کمک بسیار عالی و خوبی برای پذیرش رنج‌های دنیا است. این نامه سندی بالادستی محسوب می‌شود که یک دوره معارف دین است.

حضرت در این نامه می‌فرماید: ”مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمَقَرُّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمَرِ الْمُسْتَسْلِمِ [لِلدَّهْرِ الدَّامِ] لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى وَ الطَّاعِنِ عَنْهَا عَدَا إِلَى الْمُؤْتُوْدِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ غَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ ...“ (نهج البلاغه/نامه ۳۱) یعنی از پدری فانی



و اعتراف کننده به گذشت زمان، کسی که زندگی را پشت سر گذاشته و در سپری شدن دنیا چاره ای نداشته و از پدری که فردا کوچ خواهد کرد به فرزندگی که آرزومند چیزی است که به دست نمی آید، در دنیا هدف بیماری ها قرار دارد و در تیررس مصائب و گرفتاری های دنیا است...

کسی که این ویژگی ها و صفات را در انسان و دنیا می بیند و به این سختی های زندگی دنیا توجه می کند خود به خود کمکی از بیرون برای پذیرش رنج ها دریافت کرده است.

پذیرش رنج های دنیا، به معنای عدم برنامه ریزی نیست

پذیرش رنج ها به معنای عدم تلاش و عدم برنامه ریزی برای حل مشکلات و برطرف کردن رنج ها نیست. برای برطرف کردن رنج، باید تلاش و برنامه ریزی کرد ولی اگر این برنامه ریزی را خدا به هم ریخت و به نتیجه نرسیدی، باز هم باید لبخند بزنی و راضی باشی.

حتی برای رسیدن به علاقه ها هم باید برنامه ریزی کرد؛ خداوند می فرماید: ”بهره خودت از دنیا را فراموش نکن؛ وَلَا تَسْ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا“ (سوره قصص/۷۷) ولی اگر خدا حالت را گرفت و برنامه هایت را به هم زد، باز هم باید خوشحال و راضی باشی. از برخی رنج ها باید فرار کرد و بعضی از رنج ها را باید انتخاب کرد ولی در این میان اگر خدا برنامه ات را به هم زد، باز هم لبخند بزنی. برنامه ریزی و تصمیم گیری لازم است ولی اگر خدا آنها را به هم زد، باید رضایت داشت. حضرت علی (ع) می فرماید: ”من خدا را آنجایی شناختم که تصمیم هایم را خراب می کرد؛ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ“ (نهج البلاغه/حکمت ۲۴۷)



یکی از علائم خودخواهی و هواپرستی این است که اگر زندگی سخت شد، از روی لج بازی، زندگی را سخت تر کنی!

یکی از علائم خودخواهی و هواپرستی این است که اگر زندگی سخت شد، از روی لج بازی، زندگی را سخت تر کنی. مثلاً کسی که خودکشی می کند، رنج و ناراحتی را نپذیرفته است و چون زندگی اش سخت شده، از روی لج بازی آن را به شدت بر خودش سخت تر می کند.

اگر یک بخشی از تابلویی که کشیده اید، خراب شود؛ نباید کل آن را بشکنید و خراب کنید؛ چون فقط یک قسمت آن خراب شده بود، نه همه آن، ولی شما با این کار تمام آن را نابود کرده اید. این کار، یکی از علائم خودپرستی و هواپرستی و لج بازی با خدا است که انسان کل زندگی را خراب کند. باید قواعد بازی دنیا را پذیرفت.

۶

در راه خدا باید رنجها را پذیرفت و از دوست داشتنی ها چشم پوشی کرد. اگر انسان از دوست داشتنی هایش به خاطر خدا بگذرد، کم کم نوبت خودش می رسد و باید از خودش هم بگذرد. و در زمان قربانی کردن "خود" بود که حوادث عاشورا رقم خورد...



برای دریافت کلیپ های صوتی این جلسه و همچنین صوت کامل جلسات و مطالب مرتبط به این آدرس مراجعه نمایید:

Bayanmanavi.ir





استاد علیرضا پناهیان

در سال ۱۳۴۴ در شهر تهران چشم به جهان گشود. پدر مرحوم ایشان از روحانیون و مبلغین موفق در تهران بوده است.

استاد، از سال اول راهنمایی (۱۳۵۶) در کنار دروس مدرسه، تحصیلات حوزوی را آغاز نمود و از سال ۱۳۶۲ تحصیلات خود را در حوزه علمی قم پی گرفت و پس از اتمام دروس سطح حوزه، به مدت دوازده سال از درس خارج حضرات آیات عظام وحید خراسانی، جوادی آملی، سید محمد کاظم حائری، و همچنین مقام معظم رهبری بهره برد.

از آغاز دبیرستان و در کنار تحصیل در حوزه، با تدریس کتب شهید مطهری، به تبلیغ و آموزش در محیط‌های دانش آموزی، دانشگاهی و حوزوی روی آورد. رشته‌ی روانشناسی را در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تحصیل کرد و هم‌اکنون عضو عیث علمی مرکز تخصصی تبلیغ بوده و در زمینه‌ی تدریس و طراحی سرفصل‌ها و تدوین کتب آموزشی با آن مرکز همکاری می‌کند.

در کنار فعالیت‌های تبلیغی به فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی در عرصه‌های فرهنگی نیز اشتغال داشته و از معاونت فرهنگی "لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)" در دوران دفاع مقدس تا معاونت فرهنگی "نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها" و "مرکز جهانی علوم اسلامی" همواره در برنامه ریزی و مدیریت فرهنگی فعالیت داشته است.

بیش از ده سال، همزمان با تدریس در دانشگاه هنر، مسئولیت نهاد این دانشگاه را نیز عهده داشته و در حال حاضر، در کنار "مشاوره در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها" و "فعالیت‌های تبلیغی" به تدریس در حوزه و دانشگاه و همچنین پژوهش و تدوین در علوم اسلامی مشغول است.



وارسین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه‌ی شهدا، روبروی مسجد

لیخندق، تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

